



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۳۷۸ - ۲۶ مه ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۰۸

KAR. No. 208 Wednesday 26 May 1999

مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۰۸ - چهارشنبه ۵ خرداد ۱۳۷۸

سرمقاله

دو سال بعد از دو خرداد

یادداشت

مردم قیم نمی‌خواهند

انتخاب شهردار تهران به تعویق افتاد

در سالگرد دوم خرداد، و در زیر یورش شدید عوامل چماقدار
هزاران دانشجویان از رئیس‌جمهور خواستند
به شعارها و وعده‌های خود به ملت پایدار بمانند

سخنان رئیس‌جمهور به انتظارات پاسخ نداد!

هزاران نفر در احمد آباد خاطره مصدق را گرامی داشتند

در تظاهرات دانشجویی در دانشگاه تهران، دانشجویان فریاد می‌زدند:
زندانی سیاسی آزاد باید گردد، اسامی قاتلین اعلام باید گردد!

حزب دموکرات کردستان ایران:

دو زندانی سیاسی کرد به جوخه اعدام سپرده شدند

بیانیه ۳۰۰ شخصیت آزادی‌خواه کشور
عاملان و آمران قتل‌های آزادی‌خواهان
را در دادگاه علنی محاکمه کنید!

رفیق ماندنی انجام در سوئد به خاک سپرده شد

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

دو سال بعد از دو خرداد

در دومین سالروز دو خرداد، پرسش آن است که آن جنبش نهان در جامعه که در دو خرداد ۱۳۷۶ برآمد کرد و از آن روز تا امروز رقم‌زننده اصلی سرنوشت سیاسی کشور ما شده است، چه اندازه پیش رفته است و تا کجا می‌توانسته پیشروی کند و چه آینده‌ای را پیش روی خود دارد؟

دو خرداد، برآمد نخستین مقاومت همگانی و ملی مردم در برابر تعرض همه‌جانبه طرفداران ولایت مطلقه فقیه به حقوق عمومی و مدنی جامعه و مظهر اولین تعرض ملی نیروهای تحول و اصلاحات در کشور و ساختار قدرت به سنگر دشمنان آزادی بود. دو خرداد یک نقطه عطف بود.

دو خرداد، پرچم مقاومت ملتی بود در برابر قدرقدرتی اقلیتی قدرت‌مدار که با شعار ((نوب در ولایت فقیه)) می‌خواستند تا قدرت سیاسی را بطور کامل به چنگ بگیرند و در زیر علم و کتل آن، پرچم جمهوریت را به طور کامل به زیر کشند.

دو خرداد، تنها یک شکست خردکننده برای محافظه‌کاران حکومتی و یک پیروزی عظیم برای مردم و آن بخش از حکومت که به مردم رو نمودند و خواسته‌هایی از مردم را بازگو کردند را به نمایش گذاشت، بلکه به همت نیروی مردم، روندهای سیاسی آتی جامعه را تعیین کرد و به آن‌ها سمت داد. نیروی خالق دوم خرداد در یک بازآفرینی تاریخی، به مخلوق خود - آقای خاتمی رئیس‌جمهور - مسئولیت تاریخی بزرگی داد تا آن دسته از هم‌راه‌های خود در حکومت را که به چیزی جز همه چیز راضی نیستند و بی‌شرمانه به چیزی جز تبدیل ملت به دلقک خیمه شب بازی‌های زر و زور خویش رضایت نمی‌دهند، مهار کند. مردم وقتی دیدند علیرغم حذف بیش از دویست کاندیدای ریاست جمهوری، فقط چهار نفر باقی مانده‌اند که یکی از آن‌ها چندان هم ((خودی)) فقها نیست، به حرکت درآمدند. آن زمان که از این کاندیدا حرف‌هایی در باره جامعه مدنی، قانون‌مداری، آزادی، تساهل، سیاست خارجی مسالمت‌آمیز و دستاوردهای بشریت مدرن شنیدند، حرکت خود را به خیز بزرگی بدل کردند و حماسه دو خرداد را آفریدند. انتخاب خاتمی بهترین انتخاب مردم نبود، اما در شرایطی که هیچ شخصیت آزادی‌خواهی نتوانسته بود از صافی شورای نگهبان و شرایط ضددموکراتیک دستپخت آن بگذرد، بهترین انتخاب در میان کاندیداها موجود بود. انتخاب مردم تنها یک ((نه)) بزرگ به جناح انحصارطلب نبود بلکه خصلت اثباتی نیز داشت.

از دوم خرداد ۷۶ تا دوم خرداد ۷۸، جنبش مردم بسیار پیش رفته است. پیشرفت این جنبش بیش از هر چیز در آن است که خواسته‌هایی را که دوم خرداد بطور ناروشن مطرح کرده بود، به خودآگاه جامعه تبدیل کرده است. مردم اکنون بسیار روشن‌تر از دو سال پیش می‌دانند که چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند. آن‌ها بسیار بیشتر از دو سال پیش مصممند که به خواسته‌های خود جامعه عمل ببوشانند و برای تحقق این خواسته‌ها مبارزه و مقاومت کنند. خیزش خودبخودی دوم خرداد، اکنون به یک جنبش آگاهانه تبدیل شده است و در اعماق جامعه ریشه دوانیده است و مصمم است تا دستیابی به آن چه می‌خواهد از پای ننشیند.

شاخص‌ترین مشخصه دوم خرداد، دولت برآمده از آن است و از همین رو در ارزیابی از آن چه پیش رفته است و یا می‌باید و می‌توانسته پیش رود، باید به سراغ کارنامه آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان رفت و عملکرد آن‌ها و کیفیت این عملکرد را سنجید. معیار سنجش عملکرد رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان حکومتی از نظر ما در آن است که به وعده‌های دوم خرداد تا چه میزان وفاداری نشان داده و چه اندازه در برابر دشمنان اصلاحات مقاومت کرده‌اند. تردیدی نیست که در جبهه اصلاح‌طلبی و دموکراسی، سهم مردم و نیروهایی که با آزادی، مردم‌سالاری، مدنیت، مدرنیسم، توسعه و عدالت و یا دست‌کم بخشی از این اهداف سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شوند، جز اعلام حضور سیاسی و عزم خود برای پیش‌برد تحولات، آن هم حضور سیاسی هوشیارانه، نبوده است. آن‌ها در خنثی کردن انواع توطئه‌ها علیه اصلاحات و نیز علیه اصلاح‌طلبان با مقاومت و هوشیاری ایستاده‌اند و بارها اعلام آمادگی کرده‌اند.

مردمی که زیر بار طاقت‌فرسای فقر و گرانی کمرشان خم شده است، حتی در دو سال گذشته وضع معیشتی آنان وخامت بیشتری یافته است، تا به امروز در برابر فریب بزرگ سردمداران جناح ضد دو خرداد که می‌خواهند با انگشت گذاردن بر روی فقر و مشکلات اقتصادی مردم، آن‌ها را به مقابله با توسعه سیاسی و آزادی‌ها بکشانند، فریب نخورده‌اند. نویسندگان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران طرفدار دوم خرداد، در حالیکه شمشیر رحیم صفوی‌ها را بر بالای سر خود دارند، لحظه‌ای از افشای توطئه‌های دشمنان آزادی باز نایستاده‌اند. دانشجویان بیدار که بارها کتک خورده و به زندان افتاده‌اند، دمی از مقابله با اوباش چماقدار باز نمانده‌اند. اپوزیسیون دموکرات و مسئول، علیرغم آن‌که حتی از سوی اصلاح‌طلبان حکومتی همچنان زیر فشار است، کوشیده است مواضع اصلاح‌طلبی در برابر نیروی ارتجاع تقویت شود و آن بخش از اپوزیسیون را که در نهایت بی‌مسئولیتی به سود نیروی ارتجاع شعار ((مرگ بر خاتمی)) می‌دهد را متوجه اشتباه بزرگ خویش سازد. بخش مهمی از روحانیت در حالیکه به خاطر دفاع از اصلاح‌طلبی زیر فشار، بازداشت خانگی و غیرخانگی و انواع بی‌حرمتی‌ها

و افتراوات است، از وظیفه خود در مقابله با جبهه ضد دوم خرداد کوتاهی نکرده است.

مردم و نیروهای آزادی‌خواه هر آنچه در توان داشته‌اند برای پیشرفت اصلاحات و آزادی‌های سیاسی و موفقیت اصلاح‌طلبان انجام داده‌اند. اگر آن‌ها نتوانسته‌اند نقشی بیش از این ایفا کنند، در این حقیقت نهفته است که آن‌ها نه در قدرت سیاسی سهم دارند و نه دارای تشکلهای مستقل یا مجاز خود هستند، تا بتوانند بر مسایل سیاسی تاثیر بیشتری بگذارند.

جبهه ضد دو خرداد، هر آن چه در توان داشته به میدان آورده تا صدای مطبوعات نیمه مستقل و مستقل را خفه کند و در این راه تا استیضاح وزیر ارشاد هم پیش رفتند. ایستادگی آقای خاتمی در برابر این فشارها و وفاداری نسبی او به قول‌هایی که در باب آزادی نوشتار و بیان داده است مورد تایید ماست. رئیس‌جمهور در جهت تحقق وعده خود در زمینه آغاز روند مشارکت مردم در سرنوشت خود گام‌هایی برداشته است و با برگزاری انتخابات شوراهای بیدرنگ پاداش خود را از مردم گرفت و شاهد آن بود که چه سان مردم در پایتخت دشمنان آزادی و رقبا را به گوشه انزوا راندند. رئیس‌جمهور در سیاست خارجی مسالمت‌آمیز اقداماتی انجام داده که نیاز بی‌چون و چرای میهن ما بوده و مورد تایید همه آن‌هایی است که برای ایران و بشریت صلح، دوستی، پیشرفت و امنیت متقابل آرزو دارند.

رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان حکومتی، در مجموع حرکتی رو به جلو داشته‌اند و سمت‌گیری عمومی آن‌ها مثبت بوده است. این یک سوی ارزیابی ما از این نیرو در دو سال حکومت آن‌ها بوده است. اما سوی دیگر این ارزیابی متوجه آهنگ حرکت و بیش از آن حدود اقداماتی است که اصلاح‌طلبان در دستور کار خود گذاشته‌اند.

آقای خاتمی چنان کند و آهسته در حرکت است که حتی بخشی از وفادارترین یاران وی را نیز نگران کرده است. سخن بر سر این نیست که آقای خاتمی در درون چارچوبی و در همان حال در بالای چارچوبی قرار دارد که او را به بسیاری از کنده‌کارها مجبور می‌کند. سخن اصلی آن است که آیا او و بطور کلی اصلاح‌طلبان حکومتی، از حرکت دو ساله خود نیاموخته‌اند هر آن جا که قاطع در برابر تعرض جبهه ضد دوم خرداد ایستاده‌اند و هر آن جا که اراده و رای مردم را فراخوانده‌اند بر دشواری‌ها و موانع غلبه کرده‌اند و برعکس هر آن جا که خواسته‌اند جنگ در فوجان را پیش ببرند، درمانده‌اند؟

مهم‌تر از همه این است که عرصه مبارزه‌ای که اصلاح‌طلبان حکومتی برای خود برگزیده‌اند، محدودتر از آن است که به مسایل اساسی مبارزه دموکراتیک پاسخ دهد. اصلاح‌طلبان حکومتی دو سال است که می‌کوشند زبان گفتگو و تفاهم بیشتر با رقبای خود، که دشمنان شناخته شده آزادی هستند، پیدا کنند و آن‌ها را به گفته خود به راه قانون‌مداری، گفتگو و مسالمت بکشانند. در عرصه جهانی نیز آن‌ها شعار گفتگوی تمدن‌ها را پیش کشیده‌اند، اما در عرصه مناسبات با مخالفان خویش مطلقاً به گونه‌ای دیگر عمل کرده‌اند. آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان حکومتی هیچ تلاشی در راه نزدیکی و تفاهم و یافتن زبان مشترک با مخالفین خود و احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون انجام نداده‌اند. آن‌ها نه تنها این کار را نکرده‌اند، بلکه حتی حاضر به پذیرش و موجودیت آن‌ها نیز نشده‌اند. اصلاح‌طلبان هنوز نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند که بدون مشارکت نمایندگان بخش بزرگی از مردم که با سیاست‌ها و حکومت آن‌ها موافق نیستند، هیچ گام اساسی در جهت ایجاد یک جامعه مدنی، آزاد و دموکرات و باثبات نمی‌توانند بردارند. بخش بزرگی از نیروهای اپوزیسیون سیاست مسئولانه‌ای در جهت تقویت روند اصلاحات و آزادی‌های سیاسی در ایران را تعقیب می‌کنند. اصلاح‌طلبان حکومت باید موجودیت مخالفین خویش را به رسمیت بشناسند و در راه یافتن راه‌های گفتگو با آنان گام‌های اساسی بردارند.

این وظیفه تنها به هموار کردن راه تفاهم و گفتگو با احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون محدود نمی‌شود. اصلاح‌طلبان هنوز هیچ گام جدی در جهت به رسمیت شناختن حق اقشار و طبقات مردم برای داشتن تشکیلات حرفه‌ای و صنفی خود برنداشته‌اند و کوششی در جهت یاری به کارگران و زحمتکشانی که برای تشکیل سندیکاها و سایر تشکیلات حرفه‌ای و صنفی خود مبارزه می‌کنند، نکرده‌اند. بدون تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و مردمی، شعار مشارکت مردمی، غیرواقعی و دست نیافتنی خواهد بود.

خواست‌های بزرگ در دوره‌های تاریخی، که ویژگی کنونی جامعه ماست، بدون مشارکت مستقیم و آزادانه نیروهای آزادی‌خواه، اگر ناممکن نباشد، دستکم چنان کم‌بار و نحیف است که با یک تندباد می‌تواند از دست برود. اگر بیداری و آمادگی مردم برای رهانیدن کشور از یوغ یک گروه مرتجع و غارتگر یک روند بازگشت‌ناپذیر است، حفظ هر آن چه که در جریان مبارزه آزادی‌خواهانه بدست آمده الزاماً بازگشت‌ناپذیر نیست. نمی‌توان از جامعه مدنی سخن گفت و مولفه‌های این جامعه را که در مرکز آن حضور احزاب سیاسی مستقل و انواع تشکلهای صنفی بدون آقا بالاسر است، به فراموشی سپرد.

جمع‌بندی ما از دو سال حکومت آقای خاتمی این است که او همواره یک چشم خود را متوجه رقبا در حکومت کرده است و یک چشم دیگر را به نیروی مردم دوخته است. تا بدینجا قابل درک است، اما آن‌چه که پذیرفتنی نیست، آن است که چشم نظاره‌گر به مردم، بارها ندیده است ولی چشم متوجه جناح محافظه‌کار بارها چشم دیگر را همراه خود کرده است. ما از آقای خاتمی انتظار نداریم راهبر ایجاد یک حکومت غیردینی شود، حکومت غیردینی نمایندگان خود را دارد. اما اگر وی بخواهد مجری اصلاحاتی باشد که خود قرائت درست از

دین می‌داند، باید ابزار و الزامات حکومتی را که به باور خود او تایید جمهوریت مردم را داشته باشد، بی‌هیچ تزلزل و درنگی فراهم آورد.

حتی آن‌هایی که اهل قرائت از دین نیستند و اهدافی فراتر از خواست‌های اصلاح‌طلبان حکومتی دارند، حرکت او را در این جهت تایید و تقویت خواهند کرد اما چشم برکنندکاری‌ها، تعلل‌ها، سازش‌های غیرضرور و مماشات با دشمنان آزادی نخواهند پوشید.

یادداشت

مردم قیم نمی‌خواهند

حبیب‌الله عسگراولادی در بحث داغی که پیرامون نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات مجلس جریان دارد، گفته است نمی‌شود گذاشت کسی که نماز نمی‌خواند به نمایندگی از سوی مردمی که اکثریت آنها نماز را قبول دارند انتخاب شود. آقای عسگراولادی که این گونه از جانب مردم سخن می‌گوید کسی است که در آخرین انتخابات حتی رای ۵ درصد از این مردم را هم نداشت و نتوانست به نام آن‌ها به مجلس راه یابد. در جمهوری اسلامی رسم چنین است هر چه بیشتر منفور مردم هستند، بیشتر به نیابت از جانب مردم حرف می‌زنند و مشکل نیز در این است که اراده خود را بر اراده مردم تحمیل می‌کنند. نظارت استصوابی فلسفه‌ای جز این ندارد که این قیم‌های مورد نفرت مردم را به نمایندگی مردم ((انتخاب)) کند!

مردم ایران با صدای بلند می‌گویند قیم نمی‌خواهند و آقایان هنوز بر آنند که قدرتی فوق بشری آنان را به شبانی رمه گماشته است. هفته گذشته، سرچوپان خودگماشته امت، از خوف بالا گرفتن صدای آزادیخواهی مردم و تبدیل انتخابات دور ششم مجلس به دوم خرداد دیگری، خود به میدان آمد و با تمام قوا از شورای نگهبان و نظارت استصوابی آن بر انتخابات مجلس دفاع کرد. به نظر می‌رسد دو جناح راست و اصلاح‌طلب حکومت، از هم‌اکنون با تمام قوا وارد عرصه مبارزه بر سر تسخیر مجلس ششم شده‌اند. شکل این مبارزه، کشمکش بر سر قانون انتخابات است که در صورت فعلی‌اش، مقرر می‌دارد صلاحیت همه کاندیداها از تصویب هیات‌های نظارت برگمارده شورای نگهبان بگذرد. دو دوره اخیر مجلس را جناح راست حکومت با همین حربه تیول خود کرد. اکنون مردم و جناح چپ حکومت می‌خواهند نگذارند دو دوره قبلی انتخابات این بار نیز تکرار شود، مردم با این نیت که اراده‌شان پایمال ولایت فقیه نگردد و اصلاح‌طلبان درون حکومت با این نیت که سنگر مجلس را از تصرف رقبای خود خارج کنند.

همانگونه که ناطق نوری گفته است، خامنه‌ای برای این به صراحت وارد گود شد که بحث‌ها را ((در نطفه خفه کند)). اما جناح راست غافل است از اینکه این مبارزه دیگر مدتهاست از حالت نطفه‌ای خارج شده و در اعماق جامعه ریشه دوانده است. مطبوعات، دانشجویان، روشنفکران، شخصیت‌ها و احزاب ملی و دمکرات و برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب حکومتی، بی‌اعتنا به سخنان خامنه‌ای، به انتقاد از نظارت استصوابی ادامه می‌دهند. حد موفقیت مبارزه مردم، تا حد زیادی بستگی به واکنش دولت خاتمی در برابر توپ و تشر خامنه‌ای دارد. آیا دولت به وعده‌ای که عبدالله نوری وزیر کشور وقت در اسفند ۷۶ داد وفادار می‌ماند و با پیگیری، در تصویب لایحه‌ای برای لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان می‌کوشد، یا اینکه مانند انتخابات مجلس خبرگان راه عقب‌نشینی و مماشات و تسلیم را در پیش می‌گیرد؟

به نظر می‌رسد جناح خاتمی تصمیم گرفته است به دو سمت، دو جور علامت بدهد. از یک سو، برخی نمایندگان طرفدار دولت از حذف نظارت استصوابی سخن می‌گویند و از سوی دیگر، وزیر کشور خاتمی می‌گوید موضوع لایحه پیشنهادی دولت، تنها تدقیق وظایف نظارت شورای نگهبان و تفکیک آن از وظایف اجرایی وزارت کشور است. از یک سو، کروبی از رهبران جناح خاتمی نظارت استصوابی را ((فاجعه‌آمیز)) می‌خواند و از سوی دیگر، گفته می‌شود لایحه دولت کماکان به شورای نگهبان امکان می‌دهد کاندیداها را حذف کند، منتهی این بار با ((ارائه مدرک)). یک درک در میان اصلاح‌طلبان حکومتی می‌گوید نظارت شورای نگهبان تنها در مورد رد صلاحیت‌شدگان از سوی هیات‌های اجرایی قابل اجراست و درک دیگر می‌کوشد راه‌حل میانی جستجو کند که محافظه‌کاران را نیز راضی کند.

آنچه مسلم است، این است که مردم و آزادیخواهان ایران خواهان لغو بی‌چون و چرای نظارت استصوابی شورای نگهبانند. برای نخستین بار، مردم ایران به طور آشکار این اراده خود را در دوم خرداد ۱۳۷۶ اعلام کردند و با رای دادن به کاندیدایی که به گفته دبیر شورای نگهبان در این شورا کمتر از سه کاندیدای دیگر رای آورده بود، بر علیه نظارت استصوابی موضع گرفتند. مورد بعدی، انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس در اسفند ۱۳۷۶ بود. برای نخستین بار، دانشجویان در خیابان‌های تهران در اعتراض به حذف کاندیداها توسط شورای نگهبان راهپیمایی کردند و خواهان لغو نظارت استصوابی شدند. به دنبال این تظاهرات بود که جنتی هراسان به تلویزیون آمد و

مدعی شد پوست خریزه نظارت استصوابی را مجلس چهارم زیر پای شورای نگهبان گذاشته است. هر چند این سخن را کسی باور نکرد، اما عبدالله نوری وزیر کشور وقت با استفاده از فرصت، اعلام کرد دولت برای لغو نظارت استصوابی لایحه‌ای به مجلس تقدیم خواهد کرد.

این نمونه به طور آشکار نشان داد که ((فشار از پایین)) گاه چه معجزه‌هایی می‌کند. اما متأسفانه دولت خاتمی به جای آنکه موقعیت را دریابد و همان زمان با اعلام رسمی رئوس لایحه لغو نظارت استصوابی، از فرصت پیش‌آمده بر اثر اعتراض‌های مردمی، حمایت وسیع‌تری را برانگیزد، ترجیح داد احتمالاً برای نجات نوری از استیضاح، لغو نظارت استصوابی را مسکوت بگذارد. دیدیم که این عقب‌نشینی، وزارت نوری را نجات نداد. اکنون نیز از صف‌آرایی جناح محافظه‌کار برای دفاع از نظارت استصوابی چنین برمی‌آید که جز توسل به این فشار از پایین و بسیج نیروهای مردم برای پایان دادن به این جایگاه توهین‌آمیزی که شورای نگهبان دارد، راه موثر دیگری وجود ندارد.

آزادخواهان ایران، با هر گونه اعمال قیومیت بر انتخاب مردم، مخالف و مصممانه خواهان برچیدن این بساط هستند. اگر قرار است کسی بنا به جرایم کیفی از حق نمایندگی محروم شود، این تنها در صلاحیت دادگاه‌های دارای نهادهای تفکیک‌شده قاضی، دادستان، وکیل مدافع و هیات منصفه است که چنین تصمیمی بگیرند. هر گونه مرجع دیگری برای تصفیه کاندیداها زائد است. هیچ شرط سیاسی و ایدئولوژیک برای صلاحیت نامزدی نمایندگی مردم پذیرفته نیست. اگر هم دو جناح حکومتی مانند انتخابات شوراها بر سر نحوه تصفیه کاندیداها به توافقی دست یابند، صرف توافق دو جناح به چنین تصمیمی مشروعیت نمی‌بخشد.

اما فعلاً همه چیز حاکی از آنست که دو جناح حکومتی از توافقی به سبک توافق بر سر نحوه تایید صلاحیت نامزدهای شوراها فاصله زیادی دارند. اگر جناح راست در مورد شوراها نظر به نقش سیاسی محدود آنها پذیرفت که به عقب‌نشینی محدودی تن دهد، می‌داند که هر گونه عقب‌نشینی و دادن امکان معرفی کاندیدا در همه حوزه‌ها به اصلاح‌طلبان حکومتی همان و از دست دادن اکثریت مجلس ششم همان. از این رو، ولایت فقیه و اعوان و انصارش دو دستی به تنها حربه خود برای جلوگیری از شکست در انتخابات که همان نظارت استصوابی است چسبیده‌اند.

بدیهی است که در این کشمکش، هر تلاشی برای به عقب راندن جبهه نظارت استصوابی، مورد حمایت آزادخواهان ایران قرار خواهد گرفت. اما لغو نظارت استصوابی تنها نخستین گام است. مهدی کروبی در کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته خود گفت نظارت استصوابی اساساً برای آن اختراع شد که مانع شرکت یک جناح حکومت در مجلس شود. این سخن کاملاً درستی است و اکنون اگر این نظارت لغو شود، راه این جناح هموار خواهد شد، اما راه حضور احزاب و نیروهای غیرحکومتی که نمایندگان بخشی از مردم ایران هستند را در انتخابات هموار نخواهد کرد. کروبی در این کنفرانس گفته است که برای حذف نیروهای چپ از انتخابات آن‌ها به اصول دیگری از قانون اساسی مراجعه کرده‌اند که این اصول همچنان بر سر جای خود باقی هستند.

مردم و اپوزیسیون دمکرات ایران برای لغو نظارت استصوابی خواهند کوشید اما از خواست‌های دیگر خود برای برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و عاری از هر گونه قیومیت دست نخواهند کشید. شرط مقدم چنین انتخاباتی آزادی فعالیت احزاب و شرکت آنها در انتخابات صرفنظر از دوری و نزدیکی آنها به حکومت است. انتخاباتی که مانند انتخابات گذشته، تنها به ((خودی))‌های حکومت مجال برگزیده شدن بدهد، مشروعیت دمکراتیک ندارد.

انتخاب شهردار تهران به تعویق افتاد

روز یکشنبه در تهران اعلام شد انتخاب شهردار تا روز سه‌شنبه به تعویق افتاده است. صدیقه وسمی، سخنگوی شورای شهر تهران دلیل تعویق انتخاب شهردار را ((شرکت اعضای شورای شهر تهران در همایش سراسری شوراهای سراسری کشور و مراسم سالگرد حماسه دوم خرداد در ورزشگاه آزادی تهران)) اعلام کرد. پیش از این اعلام شده بود که شهردار تهران همزمان با این همایش انتخاب خواهد شد.

برای انتخاب شهردار تهران، شورای شهر از مردم دعوت کرده بود پیشنهادات خود را به این شورا ارائه دهند. از میان ۷۴ نفری که از سوی محافل و نهادهای مختلف برای این مقام پیشنهاد شدند، برخی از چهره‌های سرشناس نظیر بهزاد نبوی، میرحسین موسوی و فائزه هاشمی از همان ابتدا اعلام کردند که این پست را نخواهند پذیرفت. شورای شهر از میان افراد پیشنهاد شده در مرحله نخست ۹ نفر را برگزید. این ۹ نفر عبارت بودند از ابراهیم اصغرزاده، قاسم تقی‌زاده خامسی، محمد حقانی، محمد غرضی، فخرالدین دانش‌آشتیانی، عزت‌الله سبحانی، شهاب گنابادی، محمد عطریانفر و سهیلا جلودارزاده. در میان این افراد تنها عزت‌الله سبحانی، وابسته به جناح‌های حکومتی نبود.

کاندیداهای مقام شهردار تهران، در چند جلسه در شورای شهر حضور یافتند و برنامه‌های خود را برای شهر تهران اعلام داشتند.

در سالگرد دوم خرداد، و در زیر یورش شدید عوامل چماقدار هزاران دانشجو از رئیس‌جمهور خواستند به شعارها و وعده‌های خود به ملت پایدار بماند

هزاران نفر از دانشجویان و مردم در تهران روز یکشنبه دوم خرداد در پارک ملت گرد آمدند و بر عزم و اراده خود برای ادامه اصلاحات، توسعه سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، معرفی و مجازات قاتلین نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران تاکید کردند و از آقای خاتمی خواستند که در راه تحقق شعارها و وعده‌هایی که به ملت داده است، پایداری نشان دهد. این تظاهرات به دعوت دفتر تحکیم وحدت برگزار شد و مورد پشتیبانی ده‌ها جمعیت و تشکل طرفدار اصلاحات قرار گرفت.

تظاهرات دانشجویان ابتدا قرار بود به صورت یک راهپیمایی از برابر دانشگاه تهران تا میدان آزادی برگزار شود. دانشجویان نام این تظاهرات را از ((انقلاب تا آزادی)) نهاده و از مردم خواستند با شاخه‌های گل و عکس‌های خاتمی در این راهپیمایی شرکت کنند. تظاهرات دانشجویان علیرغم صدور اجازه از سوی وزارت کشور مورد مخالفت کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به سردمداری آقای عسکراولادی قرار گرفت. در این گردهمایی، شرکت‌کنندگان از خاتمی خواستند به شعارها و وعده‌هایش در خرداد ۱۳۷۶ وفادار بماند. شرکت‌کنندگان تصریح کردند: دوم خرداد حاصل کار خاتمی نیست، بلکه او خود محصول دوم خرداد است. یکی از مسئولان دفتر تحکیم وحدت در سخنان خود از کمیسیون ماده ۱۰ به دلیل عدم صدور اجازه برای راهپیمایی دانشجویان انتقاد کرد و گفت: کمیسیون ماده ۱۰ باید در راستای توسعه سیاسی و فرهنگی ملت گام بردارد.

در این مراسم، ابراهیم اصغرزاده عضو شورای شهر تهران نیز سخنرانی کرد. وی در نطق خود گفت: ((به رغم آنچه که برخی فکر می‌کنند خاتمی جوانان را به صحنه آورد، من معتقدم که این جوانان، خاتمی را خاتمی کردند.)) اصغرزاده، انتخاب شدن و انتخاب کردن را از جمله حقوقی دانست که هیچ کس نمی‌تواند آن را از ((انسان صاحب حق)) بگیرد.

تظاهرات دانشجویان و مردم در زیر حملات مداوم حزب‌الله و چماقداران انجام شد. چماقداران بارها سعی کردند تظاهرات را برهم زنند، اما بر اثر مقاومت دانشجویان توفیقی به دست نیاوردند.

سخنان رئیس‌جمهور به انتظارات پاسخ نداد!

روز یکشنبه در سالگرد دوم خرداد ماه، بیش از یکصد هزار نفر از نمایندگان شوراهای اسلامی در استادیوم آزادی، چند هزار دانشجو در پارک لاله و میلیون‌ها نفر از مردم ایران در سراسر کشور و حتی سایر نقاط جهان آماده بودند تا از رئیس‌جمهور ((بیست میلیونی))، سخنان قاطع و برنامه روشنی در جهت ادامه اصلاحات و فضای باز سیاسی بشنوند. اما این انتظار بی‌پاسخ ماند و آقای خاتمی به جز تکرار سخنانی عام در تمجید آزادی از یکسو و سخنانی در جهت خشنودی مخالفان محافظه‌کار خود از سوی دیگر، برنامه روشنی برای ادامه توسعه سیاسی و اصلاحات ارائه نداد و تصمیم تازه‌ای را اعلام نکرد.

میلیون‌ها نفر از مردم ایران از زبان رئیس‌جمهور خود سخنی در باره نظارت استصوابی شورای نگهبان که موضوع روز مردم ایران است، در اعتراض به لغو راهپیمایی دانشجویان که خودسرانه توسط کمیسیونی از مجلس صورت گرفت، در زمینه لزوم آزادی احزاب، در زمینه معرفی قاتلین نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران و... نشنیدند. مردم به حق انتظار داشتند که با سخنان رئیس‌جمهور در دومین سالگرد دوم خرداد، گام تازه‌ای به سوی اصلاحات و توسعه سیاسی در کشور برداشته شود. ده‌ها هزار نفر در استادیوم آزادی، هزاران دانشجوی مصمم در پارک لاله و میلیون‌ها نفر ایرانی در سراسر کشور آماده بودند تا از چنین سخنانی قاطعانه پشتیبانی کنند و نیروی خود را در جهت تحقق آن‌ها به نمایش بگذارند، اما متأسفانه در حرف‌های رئیس‌جمهور این انتظار را تحقق‌یافته ندیدند.

آقای خاتمی که در برابر یکصد هزار نماینده شوراها در استادیوم آزادی سخن می‌گفت، ضمن تاکید مجدد بر اینکه ((هیچ جریان و جناحی نمی‌تواند خود را برابر یا مافوق قانون بداند)) افزود: ((هر کس باید به صورت مشخص بگوید کیست و چه می‌کند و خواست‌های خود را در پس ارزش‌ها نپوشاند.))

خاتمی خاطرنشان کرد در جمهوری اسلامی حد آزادی، ((مبانی اعتقادی، حقوق و امنیت جامعه است.)) وی گفت: ((هر کسی باید بطور مشخص بگوید کیست و چه می‌کند و خواست‌های خود را در پس ارزش‌ها نپوشاند.)) رئیس‌جمهور ضمن تاکید بر ((دفاع از آزادی با تمام وجود)) گفت آن‌چه به دست آمده به برکت اسلام، انقلاب، رهبری امام، وحدت ملی، خون شهیدان و فداکاری ایثارگران است و این بنا نباید فرو بریزد.

رئیس‌جمهوری اسلامی با اشاره به سخنان اخیر خامنه‌ای در دفاع از نظارت استصوابی شورای نگهبان بر

انتخابات مجلس کوشید حربه استفاده از ((سخنان مقام رهبری)) را از دست جناح مخالف بگیرد و گفت: نباید به این سخنان یکطرفه نگاه شود. رئیس‌جمهور مدعی شد که ولی‌فقیه همواره دغدغه آزادی را دارد و در هر جا که درباره نگرانی‌های خود صحبت کرده و یا هشدار داده است، در همه جا از اصل آزادی و تقدس آزادی و لزوم آزادی نیز سخن گفته است.

این ادعای رئیس‌جمهور در مورد نیت رهبر حکومت در حالی عنوان شد که پنج روز پیش از آن، خامنه‌ای خطاب به مسئولین وزارت ارشاد گفته بود از متهم شدن به ضدیت به آزادی نهراسند.

سخنان آقای خاتمی، اگر هم بنا به مصلحت سیاسی و برای حفظ موقعیت او در حکومت و نیز پرهیز از تشنج در روابط او با خامنه‌ای باشد، به اعتبار رئیس‌جمهور در نزد مردم تشنه حقیقت و به ویژه جوانان، لطمه می‌زند. مردم با گوش خود می‌شنوند و با چشم خود می‌بینند که خامنه‌ای چه می‌گوید. آقای خاتمی اگر درباره سخنان ضدآزادی خامنه‌ای سکوت کند بهتر است تا مشاطه بر صورت دیو بکشد. رئیس‌جمهور به جای اینکه در هر فرصتی پیروی و وفاداری خود از رهبر دشمن آزادی رژیم را اعلام کند، باید بکوشد به خامنه‌ای مجال اینگونه دخالت‌ها در سیاست روز داده نشود. ولایت فقیه، فی‌نفسه مافوق هر قانونی است و مصداق کامل همان چیزی است که خاتمی در نطق یکشنبه خود از آن به عنوان ((پنهان کردن خواست‌ها پشت ارزش‌ها)) یاد کرد. اگر رئیس‌جمهور واقعا قصد اقدامی موثر در جهت مردم‌سالاری (اصطلاحی که خود خاتمی در روز یکشنبه به کار برد و یک پسوند اسلامی هم بدان افزود) دارد، شایسته است که شب را روز جلوه دهد و خامنه‌ای را طرفدار آزادی جانزند.

هزاران نفر در احمد آباد خاطره مصدق را گرامی داشتند

در جریان حمله اوباش به این گردهمایی، ده‌ها تن مجروح شدند و به بیمارستان انتقال یافتند

هزاران نفر از آزادی‌خواهان ایران با اجتماع بر مزار دکتر محمد مصدق در روستای احمد آباد، صد و هفتمین سالگرد تولد او را گرامی داشتند. ده‌ها پلاکارد و شعار در حمایت از آزادی، همراه با عکس‌هایی از محمد مصدق، داریوش و پروانه فروهر، عباس امیرانتظام و سایر آزادی‌خواهان ایران، به این مراسم ویژه خاصی بخشیده بود. بر بازوی بسیاری از شرکت‌کنندگان در مراسم بزرگداشت، پرچم‌های ایران بدون آرم و نشان جمهوری اسلامی نقش بسته بود. مراسم بزرگداشت زادروز مصدق در محاصره نیروهای انتظامی و گروهی از اوباش آغاز شد و هنوز مدت زمانی از شروع سخنرانی مهندس عزت‌الله سحابی نگذشته بود، که اوباش و چماق‌داران حملات خود به جمعیت را آغاز کردند. درگیری بین اوباش چماق‌دار و مردم تا مدت‌ها در برابر چشم گارد ضد شورش که جمعیت را در محاصره خود داشت ادامه یافت و چماق‌داران با سلاح‌های سرد، ده‌ها تن را مجروح کردند، پلاکاردها، شعارها و تصاویر را زیر پا لگدمال کردند و شیشه‌های اتومبیل‌ها و اتوبوس‌ها را شکستند، مردم در برابر این اوباشگری فریاد می‌زدند: ((زندانی سیاسی آزاد باید گردد!!))، ((مصدق، فروهر، راهت ادامه دارد!!)). بنا به گزارش‌های رسیده از ایران،

وقتی مقاومت مردم در برابر مهاجمین اوج گرفت، نیروهای انتظامی نیز به اوباش پیوستند و به آنان در ضرب و شتم مردم کمک کردند.

بنا بر همین گزارش‌ها ده‌ها تن از مردم بر اثر شدت جراحات به بیمارستان منتقل شدند و گروهی از آنان نیز دستگیر شدند.

در صورتی که به جز یکی دو روزنامه ((جبهه دوم خرداد)) در مورد این اجتماع و تهاجم وحشیانه حزب‌الله به آن سکوت کردند و یا با اشاراتی مختصر گذشتند، روزنامه‌های مدافع چماق‌داران در گزارش‌های خود، بی‌شرمانه مسئولیت درگیری را متوجه شرکت‌کنندگان در تظاهرات کردند که علیه ((روستائیان منطقه)) دست به خشونت زدند. کیهان در گزارشی پیرامون این تظاهرات نوشت: درگیری از زمانی شروع شد که پس از سخنان تشنج‌آفرین و توهین‌آمیز عزت‌الله سحابی، یکی از شرکت‌کنندگان پرچم جمهوری اسلامی ایران را از بالای ماکت دکل نفت به زمین انداخت و در حالی که دیگران با شعارهای توهین‌آمیز وی را همراهی می‌کردند، پرچم رسمی کشور و اسامی جلاله لگدمال شد. این حادثه با واکنش روستائیان متدین و بسیجیان محلی روبرو شد و جمعی از شرکت‌کنندگان با دادن شعارهایی علیه نظام جمهوری اسلامی، صحنه را به درگیری تبدیل کردند. کیهان نوشت: در پایان این درگیری شرکت‌کنندگان طرفدار ملی‌گرایی برای مقصر جلوه دادن روستائیان و بسیجیان در این درگیری، شیشه‌های چند اتوبوس را شکستند!

بنابر گزارش‌ها، مثل همیشه، هیچ یک از نهادهای مسئول کسی از عوامل این خشونت‌ها را دستگیر نکرده است.

در تظاهرات دانشجویی در دانشگاه تهران، دانشجویان فریاد می‌زدند: زندانی سیاسی آزاد باید گردد، اسامی قاتلین اعلام باید گردد!

همانگونه که در شماره پیش ((کار)) خبر دادیم، در روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت، به دعوت انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران، تحصن و تظاهراتی در دانشگاه تهران در حمایت از آزادی بیان و اعتراض به بازداشت حجت‌الاسلام کدیور برگزار گردید. گزارش دیگری از این تظاهرات را در زیر می‌خوانید:

در گردهمایی اعتراضی دانشجویان که در محاصره نیروهای انتظامی و حملات حزب‌الله برگزار می‌شد، نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران سخنان کوتاهی ایراد کردند. خجسته‌مهر از دانشگاه تربیت معلم گفت: ((ما امروز در حالی در اعتراض به دستگیری یک اندیشمند در این مکان گرد آمده‌ایم که پدران ما در انقلاب ۵۷ تنها و تنها خواستار حق آزادی و اظهارنظر بودند)). شهاب پورقاسمی از دانشگاه علم و صنعت گفت: ((روابط غیرقابل قبولی دوباره در جامعه بازتولید می‌شود، انحصار اطلاعات و اخبار و طبقاتی شدن جامعه از نشانه‌های سیر این بازتولید است)). این دانشجویان افزودند: ((از دکتر کدیور دفاع می‌کنیم چون صاحب اندیشه است، چون شهروند این جامعه است و هر شهروندی حق دارد اظهارنظر کند)). افشاری، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت نیز در این تحصن سخنانی ایراد کرد و از جمله گفت: ((به میزانی که استبداد وجود داشته باشد، مردم از حکومت فاصله می‌گیرند. ما در عرصه دینی نیاز به نوگرایی داریم، نیاز به قرائت جدید از دین داریم، قرائت‌های سنتی دیگر پاسخ نمی‌دهند)).

پس از پایان تحصن که از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعدازظهر به طول انجامید، دانشجویان در محوطه دانشگاه دست به راهپیمایی زدند. برخی از شعارهای دانشجویان عبارت بود از:

((زندانی سیاسی آزاد باید گردد!))، ((اسامی قاتلین اعلام باید گردد!))، ((آزادی، امنیت، این است شعار ملت!))، ((آزادی اندیشه، همیشه، همیشه!))، ((کدیور آزاده، آزاد باید گردد!))، ((یک مملکت، یک دولت، آن هم به رای ملت!))، ((علی لاریجانی، این آخرین اخطار است، صدا و سیمای ما در دست انحصار است!))، ((دانشجو بیدار است، از انحصار بیزار است!))، ((کدیور زندانی است، نقدی آزاد است!))، ((خاتمی، خاتمی، حمایت می‌کنیم!))، ((فروهر، فروهر، راهت ادامه دارد!))

این تظاهرات با سرودهای ((ای ایران)) و ((قسم به اسم آزادی)) خاتمه یافت.

به نوشته روزنامه آریا، گروه اندکی که شعار می‌دادند ((کرباسچی قهرمان آزاد باید گردد!)) کوشیدند دانشجویان را با خود همراه سازند، اما دانشجویان تظاهرکننده از تکرار این شعار خودداری کردند. یکی از دانشجویان گفت: در لزوم آزادی کرباسچی تردیدی نیست، اما این که او یک ((قهرمان)) است، به ویژه پس از مواضع وی در انتخابات خبرگان، بیشتر به یک شوخی می‌ماند!

حزب دموکرات کردستان ایران: دو زندانی سیاسی کرد به جوخه اعدام سپرده شدند

بنا بر یک اطلاعیه که از سوی حزب دموکرات کردستان ایران منتشر شد، دو زندانی سیاسی کرد در سحرگاه روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت، در زندان ارومیه به دست جلادان رژیم اسلامی به جوخه اعدام سپرده شدند.

این دو زندانی مصطفی قادری و محمدعلی کدر نام داشته‌اند و سال‌ها از عمر خود را در زندان‌های جمهوری اسلامی سپری کرده بودند و بطور مدام تحت آزار و شکنجه ماموران وزارت اطلاعات و امنیت قرار داشته‌اند. بنا بر این گزارش، ماموران جمهوری اسلامی پس از اعدام زندانیان کرد، از تحویل جنازه آنان به خانواده‌هایشان خودداری کرده و خود، آنان را به خاک سپرده‌اند. خانواده‌های این دو شهید خلق کرد تحت فشار شدید قرار گرفته‌اند تا از برگزاری مراسم یادبود عزیزان خود خودداری کنند.

جنایت تازه رژیم اسلامی، و فشار آن به خانواده قربانیان، خشم و تنفر مردم کردستان را نسبت به جنایتکاران افزایش داد و اعتراض مردم مهاباد را به این عمل ضدانسانی برانگیخت.

ما با خانواده‌های شهدای خلق کرد، مصطفی قادری و محمدعلی کدر، اعلام همبستگی کرده و این جنایت را به شدت محکوم می‌کنیم.

همچنین بنا به گزارش‌های دیگری، دو عضو سازمان اتحاد انقلابیون کرد به نام‌های ابراهیم شریفی اهل مهاباد و جواد رضایی اهل کرمانشاه نیز در زندان‌های حکومت اسلامی اعدام شده‌اند.

این جنایات که اکثراً مخفیانه انجام می‌شود، باید مورد اعتراض گسترده دانشجویان، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و همه آزادی‌خواهان ایران قرار گیرد تا این اعتراض مانع از انجام جنایت‌های تازه علیه مردم کردستان ایران شود.

بیانیه ۳۰۰ شخصیت آزادی‌خواه کشور عاملان و آمران قتل‌های آزادی‌خواهان را در دادگاه علنی محاکمه کنید!

بیش از ۳۰۰ نفر از شخصیت‌های سیاسی کشور با انتشار بیانیه‌ای خواستار تشکیل دادگاه علنی و محاکمه آمران و عاملان قتل داریوش فروهر، پروانه اسکندری و نویسندگان آزادی‌خواه کشور شدند. در این بیانیه از جمله آمده است: ((اگرچه کاربدستان حاکمیت اجرای عدالت و رسوا ساختن عوامل این جنایت هولناک را بارها و بارها تکرار کرده‌اند ولی هنوز وعده‌های داده شده تحقق پیدا نکرده است و ملت بزرگ ما همچنان چشم به راه و در انتظار!

هماندیشان و فرزندان این سرزمین، دادخواه خون به ناحق ریخته شده این دو آزاده سرفراز و این دو فرزند برومند و دلیر ایران زمین و سایر دگراندیشان و نویسندگان فرهیخته‌اند و بار دیگر فریاد دادخواهی خود را برای اجرای عدالت و معرفی نابکاران زشتخویی که با این اقدام جنایتکارانه ملت ایران را سوگووار و داغدار ساخته‌اند سر می‌دهند و بی‌صبرانه در انتظار تشکیل دادگاه علنی و رسوایی زمینه‌سازان، آمران و عاملان این جنایت‌های هولناک می‌باشند.

ما امضاکنندگان این بیانیه یادآور می‌شویم که تا دستیابی به این خواسته‌های به حق، به تلاش و کوشش خویش ادامه خواهیم داد و در صورتی که دستگاه‌های اجرایی و قضایی جمهوری اسلامی ایران در اجرای عدالت در این باره تعلل نمایند، مردم ایران حق خواهند داشت از تمام امکانات و توانایی‌های خود برای معرفی آمران و عاملان این جنایت‌های فجیع استفاده نمایند)).

لازم به توضیح است تا لحظه تنظیم این خبر هنوز از نام افرادی که این بیانیه را امضا کرده‌اند، اطلاعی به دست ما نرسیده بود.

رفیق ماندنی انجام در سوئد به خاک سپرده شد

روز جمعه ۱۴ ماه مه در ساعت ۱۱ صبح، مراسم آخرین وداع و خاکسپاری رفیق ماندنی در گورستان Limhamn در شهر مالمو برگزار شد. در این مراسم، خانواده، بستگان و شمار بسیاری از رفقا و دوستان رفیق ماندنی که از کشورهای مختلف گرد آمده بودند، به او احترام نموده، با یکدیگر ابراز همدردی نمودند. بعداز ظهر همان روز در ساعت شش و نیم عصر، مراسم یادبود در محل خانه مردم شهر مالمو با حضور خانواده و رفقای ماندنی برگزار شد. در این مراسم سخنرانان با بیانات و سرودها، یاد آن رفیق پرشور را گرامی داشتند، از صمیمیت، مردمی بودن و مبارزات او یاد کردند. از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، علاوه بر تعداد بسیاری از رفقا و هم‌زمان وی، تعدادی از اعضای شورای مرکزی سازمان در این مراسم حضور یافتند و به رفیق ادای احترام کردند. رفیق بهزاد کریمی سخنگوی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از سوی فدائیان با رفیق ماندنی تجدید پیمان نمود تا پیگیرانه برای تحقق اهداف شریف و انسانی او که همانا بهروزی و سعادت مردم ایران بود، مبارزه نمایند.

در خلال مراسم سرودهای محلی لری، بختیاری و نغماتی که مورد علاقه ماندنی بود پخش می‌شد. احساس مشترک شرکت‌کنندگان در این مراسم این بود که رزم مشترک ما، آرزوهای برپاد رفته رفقای جان باخته ما را که همانا آزادی، عدالت اجتماعی و بهروزی مردم ستمدیده ایران است، تحقق‌پذیر سازد.



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany